

# چهل حدیث در چهار موضوع

رضا استادی

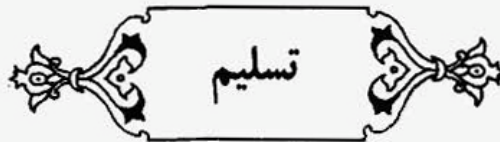
فقهاء و محدثان عالیقدر ما به منظور عمل کردن به روایت معتبری که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام به این مضمون:

مَنْ حَفِظَ عَلَيَّ أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا يَسْتَفِيمُونَ بِهَا بَعَثَهُ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ  
فَقِيهَا غَدِلًا؟

نقل شده، کتابهای فراوانی به عنوان اربعین و چهل حدیث (برخی از آنها شرح چهل حدیث و برخی فقط انتخاب و گردآوری چهل حدیث می باشد) نوشته اند که تعدادی از آنها چاپ شده است مانند: اربعین ابن زهره حلبی، اربعین شهید اول، اربعین شیخ بهائی، اربعین علامه مجلسی، اربعین حاج میرزا محمد ارباب قمی، اربعین حاج شیخ عباس قمی، اربعین حاج میرسید علی بهبهانی، اربعین هاشمیه بانوی اصفهانی، اربعین حاج شیخ محمد تقی شوشتری و اربعین حضرت امام خمینی دامت برکاته. در این ایام، ناچیز به فکر افتاد به پیروی از این بزرگان فقه و روایت و درایت، چهل حدیث کوتاه با ترجمه گرد آورد و خود را به صورت ظاهر در سلسله راویان اهل بیت عصمت قرار دهد شاید همین تشبه صوری و ادعای مجازی

بهانه شود که مورد لطف و مرحمت ایشان واقع گردد، فَإِنَّ عَادَتَهُمُ الْإِحْسَانُ إِلَى الْمُسِيئِينَ وَسَجَّيْتُهُمُ الْكَرْمُ.

این جهل حدیث پیرامون چهار موضوع: تسلیم، تفقه، نفاق و تحریف، انتخاب می شود و برای طالبان حقیقت می تواند بسیار مفید و روشنگر باشد.



□ عَنْ كَامِلِ التَّمَارِ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» أَتَدْرِي مَنْ هُمْ؟ قُلْتُ: أَنْتَ أَعْلَمُ، قَالَ: قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الْمُسْلِمُونَ...

کافی تألیف ثقة الاسلام کلینی ج ۱ ص ۳۹۱

کامل خرما فروش گوید: امام باقر علیه السلام آیه «قد افلح المؤمنون» را خواند و گفت آیا می دانی مؤمنان در این آیه چه کسانی هستند؟ گفتم: شما داناترید، فرمود: مؤمنانی که تسلیم (خدا و احکام خدا) باشند...

□ عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: قَالَتْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ... الْإِسْلَامُ هُوَ التَّسْلِيمُ وَالتَّسْلِيمُ هُوَ التَّصَدِيقُ، وَالتَّصَدِيقُ هُوَ الْبَيْتَيْنِ، وَالتَّيْقِينُ هُوَ الْأَدَاءُ، وَالْأَدَاءُ هُوَ الْعَمَلُ، إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَخَذَ دِينَهُ عَنْ رَبِّهِ وَاسْمَ يَأْخُذُ عَنْ رَأْيِهِ...

معانی الاخبار شیخ صدوق ۱۸۵

امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید: اسلام همان مطیع و منقاد و تسلیم بودن در برابر اوامر و نواهی الهی، و چون و چرا نکردن است. و تسلیم و انقیاد کامل، بدون تصدیق به درستی دین، تحقق پیدا نمی کند، و تصدیق به درستی دین، مستلزم باور داشتن به درستی دین است، و نشانه باور داشتن، انجام تکالیف الهی است، و انجام وظائف و تکالیف، همان عمل کردن به دستورات الهی است. مؤمن دین خود را از خدایش اخذ کرده است و از رأی و نظر و تشخیص خویش اخذ نکرده است...

\* \* \*

□ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا عِبَادَ اللَّهِ أَنْتُمْ كَالْمَرْطُضَى وَرَبُّ الْعَالَمِينَ كَالطَّيِّبِ، فَصَلِّحُ الْمَرْطُضَى فِيمَا تَقَلَّبَتْهُ الطَّيِّبُ وَتَدْبِيرِهِ لِأَفِيمَا يَنْشَبِيهِ الْمَرِضُ وَيَقْتَرِحُهُ، أَلَا قَسَمُوا اللَّهُ أَمْرَهُ نَكُونُوا مِنَ الْفَائِزِينَ.

مجموعه وزام بن ابی فراس ج ۲ ص ۱۱۷

رسول خدا صلی الله علیه وآله می فرماید: ای بندگان خدا شما به منزلهٔ بیماران و پروردگار جهانیان به منزلهٔ طیب است، صلاح بیمار در دارو و درمانی است که طیب تشخیص می دهد نه در چیزهایی که دل خواه بیمار است و به آنها متمایل می باشد و ای بندگان خدا، تسلیم امر خدا باشید از رستگاران خواهید بود.

□ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَحْيَى الْكَاهِلِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَوْ أَنَّ قَوْمًا عَجَبُوا اللَّهَ وَخَدَعُوا لِشَرِيكَ لَهُ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَتَوْا الزَّكَاةَ وَحَجَّجُوا الْبَيْتَ وَصَامُوا شَهْرَ رَمَضَانَ ثُمَّ قَالُوا لَيْسِي صَتَعَةَ اللَّهِ أَوْ صَتَعَةَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَلَا صَنَعَ خِلَافَ الَّذِي صَنَعَ، أَوْ وَجَدُوا ذَلِكَ فِي قُلُوبِهِمْ لَكَانُوا بِذِيكَ مُشْرِكِينَ، ثُمَّ تَلَا هَذِهِ آيَةَ: «وَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ خَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَمَلِكِكُمْ بِالتَّسْلِيمِ.

کتاب شریف کافی ج ۲ ص ۳۹۸

حضرت صادق علیه السلام فرمود: اگر مردمی خدای یگانه و بی شریک را بندگی و عبادت کنند، و نماز بخوانند، و زکات بدهند، و حج خانه خدا به جا آورند و ماه رمضان روزه بگیرند، اما به کاری که خدا یا رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام داده اند اعتراض کنند و بگویند چرا خدا و رسول خدا این کار را طور دیگر انجام ندادند و یا چنین اعتراضی را در دلهای خود بیابند، گرچه به زبان نیاورند، به همین اعتراض کردن (و تسلیم نبودن) مشرک خواهند بود، و معلوم می شود ایمان واقعی ندارند سپس امام صادق علیه السلام آیهٔ ۶۵ سورهٔ نساء را که همین مطلب از آن استفاده می شود تلاوت کرد و فرمود: پس بر شما است که تسلیم باشید.

۱- البته این نوع افکار تا اظهار نشود احکام کفر و شرک ظاهری بر آن مترتب نمی شود.

□ عن العلاء بن كامل قال: سمعتُ أبا عبد الله عليه السلام يقول: «وَأذْكُرُ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ» عِنْدَ الْمَسَاءِ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ قَالَ: قُلْتُ: بِيَدِهِ الْخَيْرُ قَالَ: بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَلَكِنْ قَالَ كَمَا أَقُولُ عَشْرَ مَرَّاتٍ وَأَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ حِينَ تَطْلُعُ الشَّمْسُ وَحِينَ تَغْرُبُ، عَشْرَ مَرَّاتٍ.

کافی ج ۲ ص ۵۲۷

علاء بن کامل گوید از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که (در تفسیر آیه ۲۰۵ سوره اعراف) فرمود: هنگام غروب [مقصود است که بگویی: ] «لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملك وله الحمد یحیی ویمیت ویمیت ویحیی وهو علی کل شیء قدير» علاء بن کامل گوید: جمله «بیده الخیر» را خواستم قبل از جمله آخر بیا فرمایم حضرت فرمود: همه خیرها به دست خدا می باشد [و این مطلب صحیحی است] ولی اذکار را آن طور که من گفتم ده بار بگو و چیزی اضافه مکن و هنگام طلوع خورشید و غروب آن ده بار بگو: واعوذ بالله السميع العليم.

اکمال الدین شیخ صدوق ص ۲۰۱ چاپ سنگی.

□ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَنَانَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سَبَّهْتُ سَنُصَيْبِيكُمْ فَنَبَّهْتُمْ بِإِعْلَامِ بَرِيٍّ وَلَا إِمَامٍ هَدَى وَلَا يَنْجُو مِنْهَا إِلَّا مَنْ دَعَا دُعَاءَ الْغَرِيقِ قُلْتُ: كَيْفَ دُعَاءَ الْغَرِيقِ قَالَ: يَقُولُ: يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ قُلْتُ: يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مُقَلِّبُ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ وَلَكِنْ قُلْ كَمَا أَقُولُ لَكَ: يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ.

عبدالله بن سنان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: بزودی گرفتار شبهه ای می شوید پس می مانید بدون نشانه ای که دیده شود و پیشوائی که هدایت کننده باشد (ظاهر آغیبت امام زمان منظور است) و نجات نمی یابد از آن شبهه مگر کسی که دعای غریق را بخواند (وتوجه کامل به خدا داشته باشد) گفتم دعای غریق چگونه است؟ فرمود: «یا الله یا رحمن یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک» عبدالله بن سنان گوید: دعا را خواندم و

کلمه «والابصار» را به «مقلب القلوب» افزودم حضرت فرمود: [درست است که] خدا مقلب القلوب و الابصار است و لکن دعا را همان طور که برای تو می گویم بخوان و کلمه «والابصار» را به آن اضافه مکن.

□ عَنْ إِسْمَاعِيلِ بْنِ الْفَضْلِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: «فَسَيَحْيِي بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا» فَقَالَ: فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَنْ يَقُولَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ عَشْرَ مَرَّاتٍ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا عَشْرَ مَرَّاتٍ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ قَالَ: فَقُلْتُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ فَقَالَ: يَا هَذَا لَا شَكَّ فِي أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَلَكِنْ فُلْنُ كَمَا أَقُولُ.

خصال شیخ صدوق ص ۴۵۲

اسماعیل بن فضل گوید از حضرت صادق علیه السلام از آیه ۱۳۰ سوره طه پرسیدم حضرت فرمود: بر هر مسلمانی لازم است پیش از طلوع آفتاب و پیش از غروب آن ده بار این اذکار را بگوید: «لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملك وله الحمد يحيى ويميت وهو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شئ قدير» اسماعیل گوید همین جملات را خواندم ولی جمله «يميت ويميت» را پس از جمله «يحيى ويميت» به آن افزودم، حضرت صادق فرمود: در درستی معنی جمله ای که اضافه کردی شک و تردیدی نیست اما اذکار را همانطور که من می گویم بگو و چیزی به آن میفزای.

□ عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ: دَخَلْتُ أُمَّ خَالِدِ الْعَبْدِيِّ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَنَا عِنْدَهُ فَقَالَتْ: جُعِلْتُ فِدَاكَ أَنَّهُ يَقْرَأُ فِي بَطْنِي وَقَدْ وَصَفَ لِي أَطْبَاءُ الْعَرَاقِ التَّبِيدَ بِالسُّبُوقِ وَقَدْ وَقَفْتُ وَعَرَفْتُ كِرَاهَتَكَ لَهُ فَأَخْبَيْتُ أَنْ أَسْأَلَكَ عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ لَهَا: وَمَا يَمْنَعُكَ عَنْ سُؤْرِهِ؟ قَالَتْ: قَدْ قَلَّدْتُكَ دِينِي فَأَلْقَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ حِينَ الْقَاةِ فَأُخْبِرُهُ أَنْ جَعَفَرَيْنَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَمَرْتَنِي وَنَهَانِي فَقَالَ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ أَلَا تَسْمَعُ إِلَى هَذِهِ أَمْرًا وَهَذِهِ الْمَسْأَلِ. لَا وَاللَّهِ لَا أَذُنُ لَكَ فِي قَسْطَرَةٍ مِنْهُ فَلَوْ نَدَوْنِي مِنْهُ قَسْطَرَةً فَأَنَا تَنْدَمِينَ إِذَا بَلَغَتْ نَفْسُكَ هَهُنَا - وَأَوْ مَا يُبِيدُهُ إِلَى خَنْجَرِهِ - يَقُولُهَا نَلَانًا أَقَهْمْتِ؟ قَالَتْ نَعَمْ...

کتاب شریف کافی ج ۶ ص ۴۱۳

شیخ کلینی از ابوبصیر روایت می کند که او گفت: بانویی به نام ام خالد بر حضرت صادق وارد شد و من هم خدمت آن حضرت بودم. عرض کرد: فدایت شوم عارضه ای در شکم من پیدا شده و دکنرها علاج آن را به خوردن یکی از انواع شرابها با قاووت دانسته اند ولی من چون کراهت شما را از آن می دانستم از خوردن آن تاکنون اجتناب کرده ام و دوست داشتم که از خود شما در مورد آن سؤال کنم. حضرت فرمود: چه چیز تورا از خوردن آن مانع شد؟ عرض کرد: من از شما تقلید می کنم و در دین خود قلاده اطاعت شما را به گردن افکنده ام، تا روز قیامت بگویم جعفر بن محمد مرا امر کرد (و به جا آوردم) و مرا نهی کرد (و اجتناب کردم) حضرت روبرو به من (ابوبصیر) کرد و فرمود: ای ابامحمد آیا گوش نمی دهی به سخن این زن و سؤال او؟ سپس به آن بانو فرمود: به خدا سوگند اجازه نمی دهم که یک قطره شراب بخوری، زیرا اگر شراب بخوری هنگام مرگ و آن لحظه ای که جانت به اینجا برسد - و اشاره به حنجره اش کرد - پشیمان خواهی شد. و این مطلب را سه مرتبه فرمود و پس از آن خطاب به آن بانو فرمود: آیا فهمیدی چه گفتم؟ عرض کرد آری فهمیدم...

#### توضیح: ☒

برخی از آگاهان به علم طب گفته اند: هیچ بیماری نداریم که علاج منحصر آن خوردن شراب باشد بنابراین خوردن شراب به عنوان معالجه جایز نیست زیرا معالجه با شراب فقط در صورتی جائز است که علاج منحصر بفریبماری به خوردن شراب باشد بلکه مشهور میان فقهاء شیعه این است که معالجه با شراب جایز نیست حتی در صورتی که معالجه منحصر به آن باشد. به کتاب تحریر الوسیله حضرت امام خمینی دامت برکاته ج ۲ ص ۱۷۰ مراجعه شود.

روای ثقة الاسلام الكلینی (ره) فی الکافی عن زید الشحام عن ابی عبد الله علیه السلام قال: قلت له: ان عندنا رجلاً یعال له کلبٌ فلا یجئ عنکم شیئاً الا قال: انا اسلم، فسمیناه کلباً تسلیم، قال: فترحم علیه...

کافی ج ۱ ص ۳۹۰-۳۹۱

مرحوم ثقة الاسلام کلینی در کتاب شریف کافی از امام صادق علیه السلام

نقل می کند که زید شحام (پیه فروش) به آن حضرت گفت: شخصی به نام کلیب داریم که هر چه از شما برای او نقل می شود می گوید: قبول دارم و تسلیم هستم (و از بس بدون چون و چرا تسلیم شما است) ما او را کلیب تسلیم نام نهاده ایم امام صادق علیه السلام فرمود: رحمت خدا بر او باد...

#### توضیح: ☒

همین روایت در رجال کشی ص ۳۳۹، بصائر الدرجات صفار نقل شده است. کلیب ظاهراً همان کلیب صیداوی اسدی است که روایت زیر در مدح او وارد شده است: شخصی به امام صادق گفت: آیا می شود کسی، فردی را دوست داشته باشد ولی او را ندیده باشد حضرت فرمود: من کلیب صیداوی را دوست دارم و حال آنکه او را تا حال ندیده ام (رجال کشی ص ۴۳۰)

□ رَوَى الشَّيْخُ الطُّوسِيُّ رَهْ فِي كِتَابِ «اخْتِيَارِ مَعْرِفَةِ الرُّجَالِ» عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي بَقَّورٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَاللَّهِ لَوْ قُلِّمْتُ رِثْمَانَةَ بِنِصْفَيْنِ، فَقُلْتُ هَذَا حَرَامٌ وَهَذَا حَلَالٌ، تَشْهَدُ أَنَّ الَّذِي قُلِّمْتَ حَلَالٌ، حَلَالٌ وَأَنَّ الَّذِي قُلِّمْتَ حَرَامٌ، حَرَامٌ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: رَجَمَكَ اللَّهُ وَرَجَمَكَ اللَّهُ.

رجال کشی ص ۲۴۹ چاپ مشهد

عبدالله می گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: به خدا سوگند اگر شما اناری را دو نیم کرده و بگوئید این نیمه، حرام است و آن نیمه، حلال [با اینکه از یک زمین و یک آب استفاده کرده و از یک درخت و یک شاخه چیده شده است] من گواهی می دهم که آن نیمه ای که شما گفته اید حلال است، حلال است و آن نیمه ای که شما گفته اید حرام است، حرام است [این اندازه به شما و گفته شما ایمان دارم و بدون چون و چرا گفتار شما را می پذیرم]. امام صادق (ع) دوبار فرمود: خدا ترا رحمت کند.

#### توضیح: ☒

محمد بن عمر بن عبدالعزیز کشی از علمای سده چهارم کتابی به نام معرفة الرجال داشته است و شیخ طوسی متوفای (۴۶۰) این کتاب را تلخیص و تهذیب کرده و به

اختیار معرفة الرجال نامیده است. کتاب «معرفة الرجال» در دست نیست و همان «اختیار معرفة الرجال» شیخ طوسی است که به «رجال کشی» مشهور شده است و یکی از چهار یا پنج کتاب رجالی مهم شیعه به شمار می آید و چند بار از جمله در مشهد چاپ شده است.

عبدالله بن ابی یعفور از فقهای اصحاب امام صادق علیه السلام و روایات متعددی در مدح او وارد شده است.



درسی که از این روایات می آموزیم:

آنچه از راه وحی و قرآن مجید و کلمات رسول خدا صلی الله علیه و آله و معصومین علیهم السلام به عنوان معارف و اخلاق و آداب و حلال و حرام خدا به دست ما رسیده و می رسد باید بدون اینکه توضیحی بخواهیم و یا بدنبال یافتن فلسفه آن باشیم و نیز بدون اینکه برای تطبیق دادن آن با آنچه در ذهن خودمان است، دچار تأویل و توجیه شویم و یا خدای ناخواسته وحی را طبق خواسته خویش و یا آنچه خود درک کرده و صحیح می دانیم، تفسیر و تشریح کنیم و یا چیزی به آن بیافزاییم یا از آن کم کنیم، آری بدون پیمودن این راههای نادرست، به عنوان یک مسلمان که حقیقت اسلام او تسلیم بودن او در برابر وحی است، آنچه را گفته اند بپذیریم و آنچه را حلال دانسته اند حلال بدانیم و آنچه را حرام معرفی کرده اند حرام بشناسیم و به هیچ نحو به خود اجازه ندهیم که در این وادی، صاحب نظر باشیم و به گفتار خدا و معصومین حاشیه بزنیم.

.....  
۱- البته با سند معتبر و قابل قبول



عن ابن عباس قال: كان رسول الله (ص) يجلس على الارض  
ويأكل على الارض ويمتقل الشاة ويجيب دعوة المملوك على  
خبزه الشعير

بحار الانوار ج ۱۶ ص ۲۲۲

ابن عباس گویند: پیامبر اسلام بر روی زمین می نشست و بر روی زمین غذا می خورد و شخصاً گوسفند را عقال می کرد و دعوت بردگانی را که به خوردن نان جو دعوت می کردند قبول می فرمود.